



بخش سیزدهم

ابن طنزی

یادداشت‌هایی درباره طنز خوانی و طنز نویسی

سید مهدی حسینی

سابقه طنز

در تقسیم بندی‌های سنتی در ادبیات پارسی، به طنز - به عنوان محتوایی خاص - توجهی نشده و تا پیش از دوره مشروطه، نظریه خاصی درباره آن ارائه نشده است و رایج‌ترین اشکال طنز (به معنی آثار خنده‌دار) هجو، هزل، مطایبات و خبیثیات است که پیش‌تر بدان اشاره کردیم.

آنچه در ادبیات کلاسیک و سنتی به عنوان طنز وجود دارد، رگه‌هایی است از گفتار و حکایات طنز آلود که در کنار «هجو» رشد کرده است. آن هم از قرن ششم به بعد در ادبیات صوفیه، مثلاً در الهی نامه عطار نیشابوری این حکایت طنزآمیز آمده است:

«دیوانه‌ای به نیشابور می‌رفت، دشتی دید پر از گاو پرسید: این‌ها از کیست؟

گفتند: از آن عمید نیشابور است.

از آن‌جا گذشت. صحرایی دید پر از اسب.

گفت: این اسب‌ها از آن کیست؟

گفتند از عمید.

چون به شهر آمد، غلامان بسیار دید.

پرسید: این غلامان از کیستند؟

گفتند: بندگان عمیدند.

درون شهر، سرایی دید آراسته که مردم به آن‌جا می‌رفتند و می‌آمدند. پرسید: این سرای کیست؟

گفتند: این اندازه ندانی که سرای عمید نیشابور است؟ دیوانه، دستاری بر سر داشت کهنه و پاره پاره از سر بر گرفت، به آسمان پرتاب کرد و گفت: این را هم به عمید نیشابور ده، از آن‌که همه چیز را به وی داده‌ای!»

با هجو، که درون مایه آن اغراض شخصی است و پرده‌داری، طنز در این دوره از هجو جدا شد.

تقسیم بندی‌های طنز

منتقدان فرنگی، طنز را به دو نوع رسمی (formal) یا مستقیم (direct) و غیر رسمی (indirect) (satire) تقسیم کرده‌اند.

طنز مستقیم، خود به دو شاخه هوارس و جوونال تقسیم شده است. در طنز مستقیم هوراسی، سخنگو فردی زیرک است که با طنزهایش بیش‌تر باعث سرگرمی و تفریح است تا خشم و رنجش.

در طنز مستقیم جوونالی، سخنگو یک معلم جدی اخلاق است. مفسده‌ها را بدون گذشت مطرح می‌کند و باعث تحقیر و رنجش می‌شود.

طنز غیر مستقیم، شکل روایی دارد و شخصیت‌ها به جای گفتار مستقیم، در اعمال و رفتار، مضحک می‌نمایند.

طنز سیاه (black humour) نیز از دیگر نمونه‌های طنز در ادبیات غرب است که معادل کمدی سیاه آمده است. در این نوع طنز، انسان از آن‌جا که توان آن را ندارد تا در وضعیت ناگوار، خود را تغییر می‌دهد، می‌خندد. این نوع تقسیم بندی از مشخصه‌های تئاتر پوچی و داستان‌های مدرن است.

از آن‌جا که این نوع تقسیم بندی، چندان به کار نمی‌آید و کاربردی به نظر نمی‌رسد، به همین مقدار بسنده کرده و در شماره آینده به دیگر تقسیم‌بندی‌ها اشاره می‌کنیم.

برجسته‌ترین آثار طنز کلاسیک به عبید زاکانی شاعر قرن هشتم تعلق دارد که با مجموعه آثار «اخلاق الاشراف»، «التعریفات»، منظومه «موش و گربه»، «رساله دلگشا»، فال نامه‌های طیور، وحوش، بروج، «کنز اللطائف»، و... برآستی پدر هنر طنز ادبیات فارسی است.

یک نمونه اثر طنزآمیز از رساله دلگشای عبید زاکانی

«دهقانی در اصفهان به خانه خواجه بهاء‌الدین صاحب دیوان رفت با خواجه سرا گفت: با خواجه بگوی که خدا بیرون نشسته است و با تو کاری دارد!

با خواجه بگفت. به احضار او اشارت کرد. چون در آمد، پرسید که تو خدایی؟! گفت: آری. گفت: چگونه؟! گفت: حال آن‌که، من پیش، دهخدا و باغ خدا و خانه خدا بودم؛ نواب تو، ده و باغ و خانه از من به ظلم بستند، خدا ماند!»

دوران بیداری (پس از مشروطه) دوره تکامل و بلوغ طنز در تاریخ ادبیات ایران است.

اگر در دوره‌های پیشین به واسطه شرایط حاکم اجتماعی و وابستگی اکثر هنرمندان و شاعران به دربار، مانعی عمده در برابر رشد طنز وجود داشت، در این دوره زمینه‌های رشد طنز فراهم شد و با آثاری چون «چرند و پرند» علامه علی اکبر دهخدا راه رسیدن طنز به معنی واقعی خود (اصلاح اجتماعی) هموار گردید.

به این ترتیب، پس از زمان بسیاری همزیستی طنز